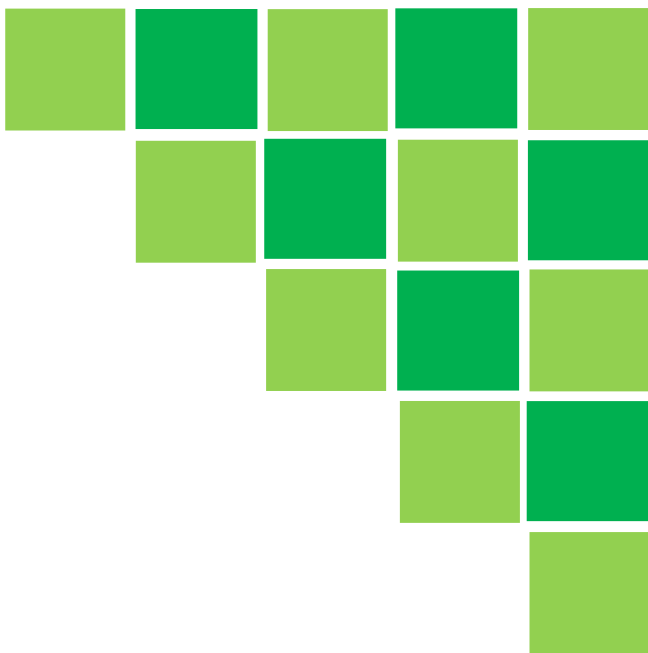




انديشكده نظام مسائل حكمراني کشور



مطالعه تطبیقی فرصتها و تهدیدهای مهاجرت نخبگان

الله أكبر
الله أكبر



اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور
دفتر مطالعات فرهنگی و اجتماعی

| شناسنامه گزارش | | | |
|--|--------------|-----------|-------------|
| مطالعه تطبیقی فرصت‌ها و تهدیدهای مهاجرت نخبگان | | | عنوان گزارش |
| آسیب‌های اجتماعی | | | گروه پژوهشی |
| کوثر درزی نژاد | | | پژوهشگر |
| ۱۴۰۲۱۰۵۹ | مسلسل | سیاستی | نوع گزارش |
| ۱۴۰۲/۷/۵ | تاریخ انتشار | ۱۴۰۲/۵/۲۸ | تاریخ تهیه |
| ۵۰ | تیراژ | اول | نوبت چاپ |

www.andishkademasael.ir

info@andishkademasael.ir

محتوای گزارش لزوماً موضع رسمی اندیشکده نمی باشد مگر به آن تصریح شده باشد.
تمامی حقوق این اثر متعلق به اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور است.

معرفی اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور

اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور با هدف اثربخشی برای شناخت، تبیین و حل مسائل کلان حکمرانی کشور و به منظور شناسایی و اولویت بخشی به احصا ظرفیت ها و حل موانع پیش روی آینده کشور و اصلاح ساختار نظام تصمیم گیری و حکمرانی با تکیه بر ظرفیت جامعه علمی و پژوهشی و خلق راهکارهای سیاستی و علمی- اجرایی جهت برون رفت از موانع و ابرچالش های کشور تشکیل شده است.

از همه صاحب نظران ، دانشگاهیان ، دانشجویان و جامعه نخبگانی کشور جهت همکاری و همیاری دعوت بعمل آورده و دست یاری خود را به سوی دغدغه مندان ایران جلو می آوریم.

فهرست

| | |
|----|---------------------------------|
| ۱ |مقدمه |
| ۲ | بیان مسئله |
| ۸ | دلایل و علل مهاجرت نخبگان |
| ۱۳ | پیشنهادهای |
| ۱۸ | نتیجه گیری |
| ۲۰ | منابع |

۱- مقدمه :

مهاجرت از دیرباز از جمله دستاویزهای بشر به منظور تجربه نوع جدیدی از زندگی بوده‌است؛ در این میان، افراد تحصیل کرده و نخبگان از جمله گروه‌هایی بوده‌اند که به فراخور شرایط زیست خود بیشتر در معرض مهاجرت قرار داشتند. پیشینهٔ چنین امری را می‌توان در دوران صفویه و قاجار نیز جستجو کرد؛ زمانی که افراد روشن فکر همچون میرزا تقی خان امیر کبیر زمینه‌های مهاجرت دوره‌ای دانشجویان به کشورهای خارجی را فراهم می‌کردند؛ چنین مهاجرت‌هایی عموماً به قصد بازگشت دوباره به میهن انجام می‌شد؛ به این معنا، مهاجرت دوران گذاری بود که فرد تحصیل کرده در بستر خارج از کشور از پیشرفت‌های علمی آن‌ها استفاده کرده و سپس پس از بازگشت به وطن خود آن‌ها را در راستای پیشرفت جامعهٔ خود به کار می‌برد.



بر این اساس، می‌بینیم که مهاجرت نخبگان امری ریشه‌دار در تاریخ این مرز و بوم بوده‌است. وجه مسئله‌مندی مهاجرت نخبگان از زمانی آغاز شد که مهاجرت‌ها وجهی صعودی پیدا کرده و تعادل میان مهاجرفرستی و مهاجرپذیری بر هم خورد؛ به این معنا که در شرایط طبیعی میان تعداد نفراتی که تصمیم به خارج شدن از یک کشور می‌گیرند با تعداد افرادی که به عنوان مهاجر به آن کشور وارد می‌شوند یک موازنهٔ نسبی برقرار است. اما در مواردی مانند آنچه که امروزه با آن مواجه هستیم چنین تعادلی بهم خورده و ایران به کشوری مهاجرفرست معروف شده‌است.

۲- بیان مسئله :

آنچه که در اینجا از آن با عنوان مهاجرت نخبگان یاد کردیم امری شناخته‌شده در جامعه امروز ایران است و اغلب با عنوان «فرار مغزها»^۱ نیز شناخته می‌شود. تعریف چنین عبارت‌هایی بنا بر موقعیت اجتماعی هر یک از افراد متغیر است؛ با این وجود می‌توان به طور کلی فرار مغزها را «به منزله نوعی پدیده یا مسئله اجتماعی تعریف کرد که در واقعیت برای روند توسعه ملی کشورهای در حال توسعه تبعات منفی و در شرایطی پیامدهای مطلوبی دارد» (توکل، ۱۳۹۳: ۴۵). از این حیث می‌توان گفت مهاجرت نخبگان نیز مانند هر مسئله اجتماعی دیگری، پدیده‌ای دو بعدی بوده و پیامدهایی مثبت و منفی در پی خواهد داشت؛ در ادامه به تشریح هر یک از این ابعاد صورت مختصر به آن‌ها خواهیم پرداخت.

آنچه که در اینجا حائز اهمیت است این است که امروزه مهاجرت به امری همه‌گیر در جامعه ایران تبدیل شده است؛ در عین حال، تمرکز اصلی این پژوهش بر نخبگان به عنوان نماینده نهاد علم و دانشگاه در ایران است. امروزه نهاد علم از جمله بخش‌هایی است که می‌تواند نقشی مهم در پیشرفت و اعتلای فرهنگی یک جامعه ایفا کند؛ به این ترتیب، حضور افراد مستعد در رأس این نهاد خود به منزله امتیازی است که به تسریع روند پیشرفت یک جامعه کمک می‌کند. مسئله قابل توجه در اینجا به خیل عظیم مهاجرانی بازمی‌گردد که قصد بازگشت نداشته و به طور کلی کشور را ترک

^۱ - Brain Drain



می‌کنند. چنین امری در نوع خود آسیب‌زا بوده و در طولانی مدت ساختار کلی یک جامعه را با مشکل مواجه می‌کند.

همانطور که در عنوان این پژوهش ذکر شده، مهاجرت نخبگان می‌تواند به فرصتی به منظور تسریع روند توسعه نیز تبدیل شود. بخش مهمی از این پدیده در زمانی میسر می‌شود که نخبگان به مهاجرت به عنوان امری مقطعی نگاه کنند؛ به این معنا، زمانی که خروج از کشور به قصد بازگشت دوباره به وطن باشد می‌تواند فرصتی مناسب به منظور بهره‌برداری از تجربیات تحصیلی و فنی سایر کشورها به ارمغان بیاورد. در کنار این، امروزه با توجه به رونق گرفتن وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های اینترنتی امکان حفظ ارتباطات نخبگان با داخل کشور پس از مهاجرت نیز فراهم شده است. به این ترتیب، می‌توان از چنین بستری به منظور پیوندهای بیشتر و تعاملات گسترده با سطح جهان استفاده کرد.



براساس آنچه که در سند راهبردی کشور در مورد امور نخبگان ذکر شده است مهاجرت نخبگان به معنای خروج افراد از چرخه خدمت به جامعه است (فراستخواه، ۱۳۹۰). این امر فقط یک بعد از پدیده مهاجرت است که در اینجا به عنوان مسئله مدنظر قرار گرفته است. نخبگان گروه‌ها و افرادی هستند که طی سال‌های متممادی در سازوکار آموزشی ایران تحصیل کرده‌اند؛ آن‌ها در طول سال‌های حضور در مدرسه و سپس قبولی در دانشگاه از خدمات آموزشی که دولت در اختیار آن‌ها گذاشته بهره‌مند شده‌اند؛ با این وجود پس از طی مقطع کارشناسی و یا ارشد در دانشگاه‌های ایران، عزم سفر کرده و به طور کامل از کشور خارج می‌شوند. به بیانی، زمانی که نخبگان

از مرحله سرمایه‌گذاری خارج شده و می‌توان از دستاوردها و توانایی‌های آن‌ها در جهت منافع کشور بهره برد آن‌ها در طی مهاجرت خود این امتیازات را در اختیار کشور مقصد قرار می‌دهند. به این ترتیب، کشور مبدأ در عین هزینه‌های متعدد به منظور پرورش نخبگان از دستاوردهای آن‌ها محروم مانده و پس از چندی با خلائى جدی در جایگاه علمی خود مواجه می‌شود. چنین امری در مورد رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علمی در دانشگاه‌های مختلف ایران متفاوت است. مهاجرت نخبگان از دیرباز امری بوده که با نام رشته‌های فنی و مهندسی پیوند خورده‌است؛ چنین امری الزاما به معنای عدم مواجه با پدیده مهاجرت در حوزه‌های دیگر نیست؛ بلکه صرفا به منظور یادآوری اینکه سبقة مهاجرت در ایران با کدام رشته‌ها پیوند خورده مطرح گردید. برای مثال معاون فرهنگی و امور نخبگان بنیاد ملی نخبگان در سال ۱۳۹۳ اعلام کرد که «در سال ۹۱-۹۲ طی پژوهشی مشخص شد که نرخ فرار مغزها در برخی رشته‌ها طبیعی است، اما در برخی رشته‌ها همچون ریاضی، فیزیک و برخی رشته‌های مهندسی مهاجرت زیاد است. به عنوان نمونه ما در علوم پزشکی مهاجرت اندکی داریم و یا در علوم انسانی نرخ مهاجرت بسیار پایین است» (خبرگزاری ایسنا، ۱۳۹۳). این امر تا حد زیادی به شرایط و بسترهای هر یک از رشته‌های تحصیلی بازمی‌گردد. از سوی دیگر شرایط پذیرش دانش‌آموختگان در کشورهای مقصد نیز امری است که باعث روند صعودی و یا نزولی مهاجرفرستی می‌شود.



براساس داده‌های موجود، ایران در زمره سه کشور دارای بالاترین میزان فرار مغزها در جهان قرار دارد. این امر در مورد دانش‌آموزان المپیادی نیز رقمی قابل توجه را شامل می‌شود؛ به طوری که از هر ۱۲۵ نفر دانش‌آموز المپیادی ۹۰ نفر در دانشگاه‌های آمریکا تحصیل می‌کنند و چنین مهاجرت‌هایی اغلب بدون بازگشت بوده‌است (Salimi, ۲۰۱۹). در اینجا توجه به این نکته لازم است که امروزه صحبت از مهاجرت نخبگان فقط به رشته‌ای خاص محدود نبوده بلکه دانش‌آموختگان رشته‌های متعدد را در بر می‌گیرد. برای مثال ودادهیر (۱۳۹۸) در پژوهشی به بررسی گرایش به مهاجرت در جامعه پزشکی ایران می‌پردازد؛ او در این پژوهش نشان می‌دهد که پزشکان از جمله گروه‌هایی هستند که به تدریج به صف گروه‌های خواستار مهاجرت پیوسته و روز به روز بر تعداد پزشکانی که چنین تمایلی دارند افزوده می‌شود. این امر محدود به دانشجویان رشته پزشکی و رشته‌های نزدیک به آن نبوده بلکه پزشکان با سابقه در ایران را نیز در بر می‌گیرد.

علاوه بر این، در اغلب تحقیقات صورت گرفته آمارهای دقیقی در مورد نرخ خروج دانشجویان رشته‌های هنر و علوم انسانی ارائه نشده است. در این میان، براساس آمارهای گیت مهاجرت رتبه‌های زیر هزار کنکور در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۴، بیشترین آمار مربوط به مهاجرت نخبگان پس از رشته‌های ریاضی فیزیک به رشته‌های مربوط به حوزه هنر بازمی‌گردد. چنین روندی در بازه سال‌های بررسی شده روندی صعودی داشته‌است. این در حالی است که مهاجرت دانشجویان سایر گروه‌ها در کارهای پژوهشی مغفول مانده و می‌توان آن را به مهاجرتی خاموش تشبیه کرد. پس از دو گروه ریاضی و



هنر، دانشجویان گروه علوم انسانی و سپس دانشجویان تجربی قرار می‌گرفتند. به طور کلی داده‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت در گروه پزشکی پس از پایان تحصیلات و بعد از چندین سال اشتغال در داخل کشور صورت می‌گیرد. همچنین این امر در مورد هر یک گرایش‌های پیرامون رشته پزشکی همچون دندانپزشکی و داروسازی شرایط متفاوتی را طی می‌کند (پرونده مهاجرت گیت ایران، ۱۳۹۸).

نکته بعدی در مورد مهاجرت نخبگان به این موضوع بازمی‌گردد که آنچه که به عنوان معضل اصلی در این مسئله شناخته می‌شود به مهاجرت بدون بازگشت نخبگان برمی‌گردد. در چنین شرایطی مسئله‌ای دیگر مطرح می‌شود که به مهاجرت ژن‌ها معروف است. در شرایط مهاجرت دائمی نخبگان مسئله فقط بر سر مهاجرت یک فرد که پیش از این در داخل کشور بر روی او سرمایه‌گذاری شده است نیست؛ بلکه یکی از موارد قابل توجه دیگر این است که فرد مهاجر همچون گنجینه ژنتیکی‌ای است که استعدادهای خود را در کشور مقصد به ثمر می‌رساند. این امر به این معناست که پس از مدتی نسلی مستعد که توسط هر یک از نخبگان می‌توانست در داخل کشور متولد شود در خارج از کشور خواهند بود و چنین امری به نوبه خود صدمات جدی به آینده یک کشور وارد می‌کند.

در سوی دیگر پدیده مهاجرت نخبگان، می‌توان به فرصت‌هایی اشاره کرد که در اینجا برای کشور مبدأ به ارمغان می‌آورد. مهاجرت نخبگان از یک منظر می‌تواند به مثابه یک مبادله فرهنگی در نظر گرفته شود. امروزه



در شرایطی که مرزهای جغرافیایی به واسطه ابزارهای اطلاعاتی کمرنگ شده‌اند، ایماژهایی از هر یک از کشور توسط رسانه‌ها به کل جهان مخابره می‌شود. این در حالی است که بعضاً صحت و سقم این ایماژها در هاله‌ای از ابهام بوده و شاید نتوان به آن‌ها استناد کرد. با این حال، مهاجرت یک فرد نخبه خود به مثابه فرصتی است که فرد می‌تواند تصویری فرهنگی از کشور خود همچون ایران به سایر نقاط جهان ارائه دهد. در شرایطی که ایماژهای موجود در رابطه با خاورمیانه در رسانه‌های اجتماعی با مفاهیم منفی همچون فقر و جنگ پیونده خورده‌است چنین مهاجرانی می‌توانند در حکم حاملانی مؤثر به منظور ارائه تصویری واقعی از شرایط اجتماعی یک کشور باشند.

علاوه بر این، مهاجرت نخبگان می‌تواند به مثابه فرصتی برای افزایش تعاملات میان کشورهای مبدأ و مقصد باشد؛ فرد مهاجر خود در حکم حلقه پیوندی است که دو کشور را به یکدیگر وصل کرده و می‌تواند زمینه‌ساز انواع مبادلات همچون مبادلات علمی میان کشورها باشد. چنین امری در صورتی میسر است که نخبگان پس از مهاجرت حلقه‌های ارتباطی خود را با داخل کشور حفظ کنند. در چنین شرایطی دستاوردهای علمی هر یک از کشور به راحتی می‌تواند به بستر بعدی مخابره شود؛ این امر به ویژه در رشته‌های ریاضی و فنی که با تولید تجهیزات و فناوری‌های گوناگون سر و کار دارند جایگاه مهم‌تری خواهد داشت؛ چرا که بنا بر سرشت علوم طبیعی امکان پیروی و پیاده کردن قوانین یکسان در بخش‌های مختلف یک جامعه وجود دارد.



مهاجرت منجر به دسترسی به علوم روز و فناوری‌هایی می‌شود که پیش از این در سایر کشورها به وجود آمده است. در چنین شرایطی امکان تطبیق این دانسته‌ها بر مبنای امکانات داخلی کشور وجود دارد. نخبگان می‌توانند از طریق مهاجرت‌های خود به تازه‌ترین دستاوردهای علمی دست پیدا کنند و آن‌ها را در جهت منافع ملی به کار گیرند. حضور مستقیم هر یک از نخبگان در مرکز رویدادهای علمی و مشاهده دستاوردهای جدید، امتیازی است که در خارج از این بستر به راحتی به دست نمی‌آید. در چنین شرایطی پیوندهای دوستی‌ای که هر یک از نخبگان در کشور مقصد برقرار کرده‌اند به مثابه یک امتیاز به منظور قرار گرفتن در بطن داده‌های تازه علمی است.

۳- دلایل و علل مهاجرت نخبگان :

در ادامه بحث مشخصا به بررسی دلایل و عللی می‌پردازیم که منجر به مهاجرت نخبگان شده است. به عقیده اورت لی^۲ (۱۹۹۶) چنین دلایلی را می‌توان در دو دسته بزرگ عوامل دافعه مبدأ و سپس عوامل جاذبه در مقصد دسته‌بندی کرد. عوامل دافعه مبدأ نیز در چهار زیرگروه گسترده یعنی عوامل اقتصادی، عوامل سیاسی، عوامل فرهنگی / اجتماعی و عوامل شخصی و خانوادگی قابل بررسی هستند. در اینجا ابتدا به بررسی این چهار عامل ذکر شده پرداخته و سپس به صورت مختصر به آنچه که در کشورهای مقصد منجر به جذب نخبگان می‌شود خواهیم پرداخت.

^۲ - Everet Lee

۱-۳_ عوامل اقتصادی :

در ایران امروز، عوامل اقتصادی از جمله عواملی بوده که تمامی جنبه‌های زندگی شهروندان را تحت تأثیر قرار داده‌است. در این بین، تمکن مالی خود به یکی از فاکتورهای مهم به منظور مهاجرت بدل می‌شود. مهاجرت یک انتخاب به منظور زندگی بهتر محسوب می‌شود. در این بین، فرد نخبه به منظور این تصمیم توجه خود را محدود به بعد تحصیلی مهاجرت نمی‌کند؛ بلکه او آینده و چشم‌اندازی فراتر از دوران تحصیل را مدنظر دارد. در چنین چشم‌اندازی فرد به موقعیت شغلی حاصل از تحصیل خود نیز می‌اندیشد. جوادزاده و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی نشان داده‌اند که امیدواری فرد نخبه برای دستیابی به شغل مطلوب خود پس از پایان تحصیلات از جمله عواملی است که می‌تواند منجر به باقی ماندن او در ایران شود. با این وجود می‌توان گفت شواهد نشان می‌دهد که بیکاری از جمله معضلات اصلی ایران امروز بوده و نخبگان نیز از این قضیه مستثنی نیستند؛ به این ترتیب آن‌ها براساس امکاناتی که در دست دارند تلاش می‌کنند تا مسیر جدیدی را برای زندگی خود برگزینند که تضمین‌کننده آینده شغلی آن‌ها باشد.

همچنین جوادزاده (۱۳۹۴) در بخش دیگری از پژوهش خود به مطالبه نخبگان به منظور دستیابی به امکانات رفاهی و خدمات شهروندی اشاره می‌کند. نخبگان در طول زندگی خود با احساس محرومیت از چنین مواردی مواجه بوده‌اند؛ به این ترتیب این مسئله آن‌ها را به سمت انتخاب گزینه مهاجرت سوق می‌دهد. امنیت شغلی و به طور کلی حس امنیت به منظور برنامه‌ریزی برای آینده از جمله عواملی است که در داخل ایران از منظر



نخبگان میسر نبوده؛ در شرایطی که بیکاری یک معضل اساسی بوده و امنیت شغلی در هاله‌ای از ابهام قرار می‌گیرد، برنامه‌ریزی به منظور یک آینده تأمین نیز به امری دشوار بدل می‌شود؛ به این ترتیب، در چنین شرایطی فرد رفتن را به ماندن ترجیح داده تا از این حیث بتواند زندگی دیگری را برای خود رقم بزند.

۲-۳_ عوامل سیاسی :

در میان عوامل سیاسی، نبود شایسته‌سالاری از جمله عواملی است که مکرراً در پژوهش‌های مربوط به مهاجرت نخبگان ذکر می‌شود. ارشاد و همکاران (۱۳۸۶) در پژوهشی به بررسی عوامل دافعه در ایران که منجر به مهاجرت نخبگان می‌شود پرداختند. در اینجا نیز عوامل سیاسی از وزن و اهمیت خاصی برخوردار بود. به بیان دیگر، آنچه که از آن تحت عنوان نبود شایسته‌سالاری یاد می‌شود خود از جمله عواملی است که هم‌پوشانی نزدیکی با امنیت شغلی دارد. نخبگان با مشاهده شرایط فعلی کشور به این نتیجه می‌رسند که افراد متخصص در جایگاه شایسته خود قرار نگرفته‌اند و بدین ترتیب چنین امری را به آینده خود نیز تعمیم می‌دهند. همین امر باعث می‌شود که مشخصاً به دنبال راه فراری از وضعیت کنونی باشند.

در سوی دیگر پژوهش‌های دوره‌ای درمورد عوامل موثر بر مهاجرت نخبگان نشان می‌دهد که بحران‌های سیاسی و اجتماعی در داخل کشور هر یک موجی از مهاجرت را به همراه داشته‌است. برای مثال عربیان (۱۳۸۹)، در پژوهش خود نشان می‌دهد که موج مهاجرتی که از سال ۱۳۶۷ آغاز



شده بود در سال ۷۸ پس از حادثه کوی دانشگاه روندی صعودی را طی کرد و این بحران نقطه اوجی در مهاجرت نخبگان محسوب می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت آنچه که تحت عنوان یک آشوب سیاسی در بستر جامعه اتفاق می‌افتد عاملی مهم در تصمیم نخبگان به منظور مهاجرت است. در چنین شرایطی نخبگان شرایط زیست در داخل کشور را مطلوب ارزیابی نکرده و همین امر منجر به تصمیم به مهاجرت می‌شود.

۳-۳_ عوامل اجتماعی و فرهنگی :

این بخش بیشتر به ذهنیت هر یک از نخبگان نسبت به مسئله مهاجرت بازمی‌گردد. پس از مدتی نخبگان به واسطه ناکامی‌های مختلفی که در بستر اقتصادی تجربه می‌کنند و همچنین کاستی‌هایی که در زمینه سیاسی مشاهده می‌کنند ایران را بستری مناسب به منظور زندگی آینده خود نمی‌دانند. آن‌ها در آینده‌نگری خود به دنبال جامعه‌ای مناسب به منظور تشکیل خانواده و تربیت فرزندان خود هستند اما ناکامی‌های اتفاق افتاده در بسترهای مختلف آن‌ها را به سمتی می‌برد که مقرر دیگر برای زندگی آینده خود برگزینند. آن‌ها به دنبال فراهم آوردن بستری بهتر و زندگی مناسب‌تری برای فرزندان خود هستند و ایران را فضایی مناسب برای این منظور نمی‌دانند. به این ترتیب مهاجرت به یکی از گزینه‌های اصلی آن‌ها تبدیل می‌شود.

۳-۴_ عوامل شخصی و خانوادگی :

در این بخش می‌توان گفت یکی از عواملی که به طور ضمنی بر مهاجرت نخبگان اثر داشته و زمینه‌ساز چنین مهاجرتی است داشتن قوم و خویش



در کشور مقصد می‌باشد. در این مورد نیز کلاهدوزان (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان می‌دهد که میان مهاجرت نخبگان به خارج از کشور و حضور فردی از نزدیکان آن‌ها در کشور مقصد رابطه معناداری وجود دارد. در چنین شرایطی از یک سو روند مهاجرت برای چنین نخبگانی تسهیل می‌شود چرا که آن‌ها از حمایت‌هایی همچون ارسال دعوت‌نامه توسط خویشاوندان خود از خارج از کشور برخوردار هستند. از سوی دیگر حضور افراد نزدیک و آشنا به فرد نخبه به مثابه نوعی قوت قلب بوده که روند مهاجرت را آسان می‌کند. مهاجرت به خودی خود به علت دوری از خانواده، ورود به کشوری غریب، قرار گرفتن در کنار افرادی که به زبان مادری سخن نمی‌گویند و ... می‌تواند مسئله‌ساز باشد. اما حضور اقوام و خویشاوندان فرد نخبه در مقصد تا حد زیادی چنین مسائلی را مرتفع می‌کند.

در اصل می‌توان گفت آنچه که تحت عنوان عوامل عوامل شخصی و خانوادگی مطرح شد ذیل عوامل جاذبه در مقصد معنا می‌یابد؛ علاوه بر این، نخبگان معمولاً در دوران دانشجویی خود تصمیم به مهاجرت می‌گیرند؛ بخشی از این تصمیم به امتیازاتی بازمی‌گردد که انتظار دسترسی به آن‌ها در خارج از کشور را دارند. از جمله این عوامل می‌توان به شرایط آموزشی و تحصیلی در خارج از ایران اشاره کرد. مقایسه شرایط دانشگاه‌های کشور مبدأ و مقصد در حکم مواردی است که نخبگان را برای رفتن یا ماندن مصر می‌کند. در موارد متعددی نخبگان فعال در رشته‌های فنی از کمبود و گاهاً نبود امکانات آموزشی به منظور انجام آزمایشات گوناگون و یا نبود قطعات



به منظور تولید فناوری‌های جدید یاد کردند. این در حالی است که دسترسی به چنین مواردی در دانشگاه‌های خارج از کشور به مراتب راحت‌تر بوده و دانشجویان در دوران تحصیل خود نیز از مزایای متعددی برخوردارند.

۴_ پیشنهادهای:

در این بخش می‌توان پیشنهادهای به منظور جلوگیری از مهاجرت نخبگان را در چند دسته بررسی کرد. بخشی از این پیشنهادات به کمک نهاد دانشگاه به عنوان مقری که وظیفه اصلی پرورش نخبگان را بر عهده دارد امکان‌پذیر خواهد بود. بخش دیگری معطوف به سازوکار بنیاد ملی نخبگان به عنوان نهادی است که نخبگان را گرد هم آورده و نسبت به توانایی‌های آن‌ها اشراف دارد. به طور کلی بهبود وضعیت کشور در ابعاد اقتصادی و سیاسی خود عاملی است که منجر به ماندن نخبگان و یا بازگشت آن‌ها پس از مهاجرت خواهد شد اما در اینجا ترجیحا به بیان پیشنهاداتی می‌پردازیم که توسط نهادهای میانی همچون دانشگاه و بنیاد ملی نخبگان قابل اجرا باشد.

۴_۱_ پیشنهادات مربوط به میدان دانشگاه:

دانشگاه مهم‌ترین بستری بوده که نخبگان به طور جدی در آن پرورش می‌یابند و به گزینه‌ای برای جذب شدن توسط کشورهای خارجی تبدیل می‌شوند. از این حیث برنامه‌ریزی‌های دانشگاه به منظور جذب نخبگان می‌تواند بسیار تاثیرگذار باشد. ارائه پیشنهادات در حوزه هر یک از رشته‌ها باید براساس انتظارات نخبگان فعال در آن رشته تحصیلی باشد؛ چرا که این افراد بیش از سایرین نسبت به کاستی‌های موجود آگاه بوده و مسئله را بهتر از افرادی که بیرون از میدان دانشگاهی هستند تشخیص می‌دهند.



نخستین انتظاری که می‌توان از دانشگاه به عنوان نهاد علم و دانش داشت ایجاد شرایطی مساعد برای تحصیل هر یک از نخبگان بنا بر رشته‌های آن‌ها است. این امر در مورد هر یک از رشته‌ها به فراخور نیازهای آن رشته متفاوت خواهد بود. در اینجا منظور از شرایط مساعد، فراهم کردن امکانات و خدمات آموزشی به منظور تحصیل هر چه بهتر نخبگان و سایر دانشجویان است؛ برای مثال در مورد رشته‌های فنی یکی از مطالبات اصلی این دانشجویان به نبود امکانات و تجهیزات جهت ساخت ابزارآلات فنی برمی‌گردد. می‌توان گفت تحریم‌های صورت گرفته باعث منع واردات بسیار از کالاهای اساسی به کشور شده‌است و همین امر شرایطی را ایجاد کرده که نخبگان به تجهیزات مدنظر خود به منظور فعالیت‌های علمی دسترسی نداشته‌باشند. در کنار این، درمورد نخبگان حاضر در رشته‌های پزشکی نیز کمبود امکانات اولیه صدق می‌کند. این امر در مورد رشته‌هایی همچون داروسازی که نیاز به مواد شیمیایی به منظور زیرساخت داروهای گوناگون دارند بیش از سایر رشته‌های این حوزه به چشم می‌آید. به این ترتیب نخستین گام به منظور کند کردن روند مهاجرت نخبگان به میدان دانشگاهی و امکانات موجود در آن بازمی‌گردد.

نکته بعدی که دانشگاه می‌تواند درمورد آن پیشقدم باشد به ایجاد فرصت‌های شغلی ویژه برای نخبگان بازمی‌گردد. همانطور که در بخش علت-ها اشاره شد نبود فرصت‌های شغلی و چشم‌انداز آینده نامطمئن، از جمله عوامل جدی‌ای است که نخبگان را به سوی مهاجرت سوق می‌دهد؛ بر این



اساس ایجاد فرصت‌های شغلی در بستر دانشگاه می‌تواند منجر به امیدواری آن‌ها شود. چنین امری می‌تواند در قالب گروه‌های کوچک پژوهشی در بستر دانشگاه میسر شود. ایجاد چنین گروه‌هایی به منزله قدم اول برای جذب نخبگان است. نخبگان زمانی که مطالبه دانشگاه به منظور جذب آن‌ها برای یک کار پژوهشی را مشاهده کنند این امر به صورت ناخودآگاه منجر به نوعی احساس مهم بودن و مفید بودن در میان نخبگان می‌شود. همین امر خود به مثابه قدم اول برای جذب نخبگان و امیدواری آن‌ها نسبت به آینده شغلی در درون کشور است.

۲_۴_ بنیاد ملی نخبگان :

بنیاد ملی نخبگان نهادی است که مشخصاً به منظور اهداف نخبگان و خواسته‌های آن‌ها ایجاد شده‌است. چنین نهادی می‌تواند نقشی پررنگ در حفظ نخبگان و به کارگیری آن‌ها در مرزهای یک کشور داشته‌باشد. بنیاد ملی نخبگان در این سال‌ها نیز به عنوان نهادی فعال در حوزه نخبگان شناخته شده‌است اما نتایج حاصل شده نشان می‌دهد که نهاد مذکور آنطور که باید و شاید در حفظ و نگهداری نخبگان موفق نبوده‌است. در این بین می‌توان پیشنهادهاتی هر چند کوچک به منظور بهبود کارکرد بنیاد ملی نخبگان در نگهداری دانشجویان ذکر کرد.

بخشی از این پیشنهادات می‌تواند معطوف به ایجاد شرایطی توسط بنیاد ملی نخبگان باشد که در آن سرمایه‌های مالی به منظور فعالیت‌های مستقل نخبگان در نظر گرفته‌شود. فعالیت‌های مستقل هر یک از نخبگان در رشته‌های مختلف متفاوت بوده؛ برای مثال دانشجویان حوزه‌های فنی در رشته-



های مختلف مکانیک، کامپیوتر و برق به سرمایه‌هایی به منظور اختراع فناوری‌های جدید نیاز دارند. دانشجویان رشته‌های علوم انسانی معمولاً مشغول به فعالیت‌های پژوهشی میدانی بوده که هر یک از این پژوهش‌ها در نوع خود دربردارنده هزینه‌های گوناگونی همچون هزینه هماهنگی با هر یک از مشارکت‌کنندگان در میدان پژوهش است. در رشته‌های مربوط به حوزه هنر نیز فعالیت‌های نخبگان معطوف به کارهای مستقل به منظور فیلم‌سازی و یا تهیه یک قطعه موسیقی است که اجرای هر یک از این امور به سرمایه قابل توجهی نیاز دارد. نخبگان در موارد متعددی نیاز دارند تا در عین آزادی عمل، از پشتیبانی‌های مالی سایر نهادها برخوردار باشند. چنین امری هم نخبگان را به عنوان یک شخصیت مستقل به رسمیت می‌شناسد و هم آن‌ها را در موقعیت‌هایی مناسب به منظور ابراز وجود قرار می‌دهد.

در بعدی دیگر بنیاد ملی نخبگان می‌تواند خود به عنوان نهادی مستقل زمینه مهاجرت نخبگان را به سایر کشورها فراهم کند. چنین شرایطی باعث می‌شود که نخبگان با هزینه‌های دولتی مهاجرت کرده و سپس بازگشت آن‌ها به کشور نیز تضمین شده باشد. در این حالت نخبه نیز نسبت به کشور خود احساس عرق بیشتری کرده و نسبت به جامعه خود احساس مسئولیت و وظیفه می‌کند. علاوه بر این، چنین حمایتی می‌تواند به منزله نوعی اطمینان خاطر برای موقعیت شغلی آینده فرد نخبه عمل کند. شاید بتوان گفت یکی از عوامل مهمی که پس از مهاجرت مانع از بازگشت نخبگان به کشور می‌شود ناشی از نگرانی آن‌ها نسبت به موقعیت خود در کشور مبدأ است. چنین



تزلزلی مانع از بازگشت نخبگان می‌شود. در عین حال، حمایت نهادهایی همچون بنیاد ملی نخبگان و تضمین این موضوع که نخبگان پس از بازگشت از موقعیتی شغلی مناسب و درخور برخوردار خواهند بود می‌تواند به عاملی محرک به منظور برگشت تبدیل شود.

همچنین حفظ مداوم ارتباط با نخبگان حاضر در کشور بحث دیگری است که آن‌ها را همچون یک اجتماع گرد هم می‌آورد. ایجاد زمینه‌ها و دوره‌های گوناگون پژوهشی توسط بنیاد ملی نخبگان شرایطی را ایجاد می‌کند که نخبگان از حالت منفرد خارج شده و در قالب گروه‌های پژوهشی با یکدیگر ارتباط بگیرند. این تشکیل اجتماع نخبگانی و کلونی‌های پژوهشی قدمی ابتدایی به منظور شکل‌گیری حلقه‌های دوستی جدید در میان نخبگان است. در یک نگاه کلی پیوندهای عاطفی مانعی مهم در مسیر مهاجرت است؛ به این ترتیب ایجاد زمینه‌هایی به منظور پیوندهای عاطفی بیشتر با افراد هم‌سطح و هم‌فکر می‌تواند زمینه‌ساز حضور در کشور و کاهش تمایل به مهاجرت باشد. چنین گروه‌هایی می‌توانند در زمینه شناسایی کاستی‌های موجود نیز بسیار موثر باشد. نخبه‌نیاز دارد تا در تصمیم‌سازی‌ها دخیل باشد؛ این امر منجر به احساس مهم بودن و مفید بودن در یک ساختار اجتماعی می‌شود. این در حالی است که زمانی که تصمیم‌سازی‌ها به روندی از بالا به پایین تبدیل می‌شود نخبه خود را در این مسیر محق و صاحب نظر نمی‌بیند امر کناره‌گیری او از سایر تصمیمات بلند مدت را در پی خواهد داشت. در وهله آخر، حفظ ارتباط با نخبگان پس از مهاجرت یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند تمایل آن‌ها به بازگشت را در پی داشته-



باشد. در جهان کنونی و با توجه به مزیت‌های مهاجرت موقتی نخبگان، نمی‌توان انتظار داشت که از این پدیده به طور کامل جلوگیری شود؛ بلکه بهتر است راه‌حلهایی به منظور حفظ ارتباط با نخبگان در پیش گرفته شود. برقراری ارتباط‌های مجازی با هر یک از نخبگان مهاجرت کرده می‌تواند به همراهی مجدد با آن‌ها و دستیابی به دستاوردهای علمی آن‌ها منتهی باشد. همچنین ایجاد پروژه‌هایی که نخبگان مهاجر بتوانند به عنوان سرپرست از دور آن‌ها را مدیریت کنند یکی دیگر از راه‌حل به منظور حفظ ارتباط با نخبگان است. به این ترتیب ادامه ارتباطات اینترنتی با نخبگان امری است که هم یک مجرا برای بازگشت آن‌ها فراهم می‌کند و هم اینکه دانش‌پژوهان داخل کشور را از آخرین دستاوردهای علمی مطلع می‌کند.

۵- نتیجه‌گیری :

آنچه که تاکنون ذکر شد شرحی مختصر بر فرصت‌ها و تهدیدهای مهاجرت نخبگان بوده است. روندی صعودی مهاجرت نخبگان از ایران به سایر کشورها نشان می‌دهد که موازنه میان مزایا و معایب مهاجرت بهم خورده و تهدیدهای آن برای ایران به مراتب بیشتر از مزایای آن است. در این موقعیت شناسایی دقیق و موثکافانه علل مهاجرت نخبگان قدم نخست به منظور ارائه پیشنهادات سیاستی برای مهاجرت نخبگان است. در عین حال، در جهان امروز جلوگیری از مهاجرت نخبگان میسر نبوده و البته امری مطلوب هم نیست؛ بلکه تلاش اصلی در مسئله مهاجرت نخبگان باید مبنی بر هدایت آن به منظور بهره‌مند شدن از مزایا و فرصت‌های آن باشد. در عین حال،



همانطور که در ابتدا این گزارش ذکر شد مهاجرت نخبگان امری با سابقه بوده که در طولانی مدت اتفاق افتاده و در مواردی نیز تشدید شده‌است؛ به این ترتیب ذکر هر نوع پیشنهاد در حکم قدمی کوچک به منظور منعطف کردن شرایط موجود است و همانطور که مسئله‌مند شدن این موضوع در یک بازه زمانی طولانی مدت اتفاق افتاده تسهیل آن نیز نیازمند صرف وقت و انرژی خواهد بود.



منابع:

- _ ارشاد، فرهنگ؛ مجتبی، حمایت‌خواه جهرمی. (۱۳۸۶)، بررسی عوامل موثر بر تمایل به برون-کوچی نخبگان علمی ایران (نظرسنجی از دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تهران)، نشریه توسعه اجتماعی، دوره اول، شماره ۳، صص ۷ تا ۳۰.
- _ ایسنا (۱۳۹۳)، مهاجرت ۴۰ درصد نخبگان از کشور در برخی رشته‌ها. خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا. (<http://www.isna.ir/fa/news/۹۳۰۱۳۰۱۲۵۵۴/>).
- _ پرونده مهاجرت گیت ایران؛ حقایق و مغالطه‌ها پیرامون موضوع مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور. (۱۳۹۸)، دانش‌بنیان فناوری، رصدخانه مهاجرت ایران.
- _ توکل، محمد؛ عرفانمنش، ایمان. (۱۳۹۳)، فراتحلیل کیفی مقالات علمی ناظر بر مسئله فرار مغزها در ایران، بررسی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۵، شماره ۱، صص ۴۵ تا ۷۶.
- _ جوادزاده، پدرام. (۱۳۹۴)، علل اجتماعی مهاجرت نخبگان ایرانی به دانشگاه‌های آمریکا، نشریه مدیریت فرهنگی، شماره ۲۸.
- _ کلاهدوزان، هاجر؛ مختاری، مصطفی؛ معینی، سید رضا. (۱۳۹۴)، شناخت عوامل اجتماعی موثر بر مهاجرت نیروی کار به کانادا طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱، نشریه علوم اجتماعی (دانشگاه آزاد شوشتر)، شماره ۲۹، صص ۱۶۷ تا ۱۹۲.
- _ عربیان، نسرین. (۱۳۸۹)، بررسی عوامل مهاجرت نخبگان در ایران، نشریه فرهنگ پژوهش، شماره ۷، صص ۱۶۱ تا ۱۷۴.
- _ فراستخواه، مقصود. (۱۳۹۰)، چرا نخبه‌ها می‌روند و نمی‌آیند؛ به جای اینکه بروند و بیایند، (<http://farasatkhah.blogspot.com>).
- _ ودادهیر، ابوعلی؛ اشراقی، سمیه. (۱۳۹۸)، گرایش به مهاجرت به خارج در جامعه پزشکی ایران: مطالعه‌ای کیفی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۵، شماره ۲، صص ۲۳ تا ۴۲.
- _ Salimi, Kh. (۲۰۱۹). Studying the degree of Tehran university student's tendency to educational migration and factors affecting it. *Faculty of Literature and Humanities*, Dissertation for the MA of Social Science Research, University of Kharazmi Tehran (in Persian)



اندیشکده نظام مسائل حکمرانی کشور